در پس جدالهای لفظی بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا

مصاحبه با علی جوادی

**انترناسیونال:** سخنرانی ترامپ و روحانی توجه بسیاری از رسانه ها را به خود جلب کرد. هر دو بخش قابل ملاحظه ای از سخنرانی خود را به نقد و تعرض به یکدیگر اختصاص دادند. محورهای اصلی این سخنرانی ها چه بود؟

**علی جوادی:** ترامپ تلاش کرد که چهارچوب کلی ای از سیاستهای هیات حاکمه آمریکا در دوره حاضر را ارائه دهد. روشن شد که رژیم اسلامی در محور تخاصمات این دوره از سیاستهای آمریکا قرار دارد. روحانی تلاش کرد که گفتمانی برای "مظلومیت" رژیم اسلامی و دفاع از توافقنامه برجام و لغو تحریمهای اقتصادی ارائه دهد.

محور سیاستهای ترامپ که در این سخنرانی بیان شد از این قرارند: لاف و گزاف و تبلیغات پوچ در دفاع از دولت خود در مقایسه با سایر دولتهای تاکنونی آمریکا که حتی مورد تمسخر نمایندگان کشورهای حاضر قرار گرفت. تلاش برای تضعیف و کمرنگ کردن نقش نهادهای بین المللی که اساسا در دوران جنگ سرد و پس از آن شکل گرفته و تحکیم شده اند، سازمانهایی مانند ناتو، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و خود سازمان ملل. چهارچوبی که تاکنون مورد توافق دولتهای مختلف آمریکا اعم از دمکرات و جمهوریخواه بوده است. در اینجا ما شاهد قرار دادن سیاست اولترا راست ناسیونالیستی و پروتکشنیسم اقتصادی در مقابل سیاست جهانی شدن اقتصاد و سیاست سرمایه هستیم. بخش دیگری از این سخنرانی به رجزخوانی های سیاسی در مقابله با حکومت آدمکشان اسلامی اختصاص داده شد. ترامپ تلاش کرد رژیم اسلامی را در ظرفیت "دشمن شماره یک" و "محور شرارت" قرار دهد. علاوه بر این تلاش ویژه ای برای به خط کردن کشورهای اروپایی و اسرائیل و همچنین برخی از کشورهای عرب زبان در حمایت از این سیاست تخاصم آمیز انجام داد. در این راستا قرار است که حکومت اسلامی و جنبش اسلام سیاسی به نوعی جایگزینی برای بلوک شرق و حکومت شوروی باشند.

در طرف مقابل روحانی مذبوحانه کوشید حکومت اسلامی را قربانی تروریسم و مظلوم تاریخ جا بزند. به نوعی عجز و لابه های عاشورایی خودشان را تکرار کرد. بر خروج آمریکا از برجام انگشت گذاشت و بر پایبندی حکومت اسلامی به توافقنامه برجام تاکید کرد. روحانی در عین حال بطور ویژه ای تلاش کرد از هر گونه تهدیدی اجتناب کند، تهدیدهایی که پیش از این برای بستن شاهراههای انتقال سوخت انجام داده بود. روضه خوانی و سیاست ما "مظلومیم" تم اول و آخر سخنرانی اش بود.

**انترناسیونال:** روحانی در مصاحبه هایی اعلام کرد که هدف اصلی از شرکت در این مجمع انجام توافق هایی با اتحادیه اروپا و روسیه برای دور زدن تحریم ها است. ترامپ و مقامات آمریکایی هم صحبت از آوردن فشار بیشتر به جمهوری اسلامی کرده اند. در عین حال ترامپ اظهار آمادگی کرده که با روحانی و حتی با خامنه ای مذاکره مستقیم داشته باشد. در پس جدالهای لفظی بین جمهوری اسلامی و دولت آمریکا چه میگذرد؟

**علی جوادی:** اگر بخواهم بطور فشرده به این سئوال شما پاسخ دهم باید بگویم که در پس این جدالها از یک طرف ما تلاش برای شکل دادن به سیاست جهانی هیات حاکمه جدید آمریکا و موقعیت این نیرو در سطح جهانی را مشاهده میکنیم. و از طرف دیگر تلاش حکومتی رو به زوال که مذبوحانه میکوشد راهی برای بقاء و تخفیف فشارهای بین المللی بر خود جستجو کند.

هیات حاکمه آمریکا در دوران ترامپ یک تغییر ریل استراتژیک در سطح جهانی و داخلی را نمایندگی میکند. ناسیونالیسمی کور و کثیف در تمامی ابعاد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی. در عین حال آمریکا مانند همیشه نیازمند یک نیروی متخاصم و دشمن است. رژیم اسلامی در حال حاضر کاندیدای چنین نقشی است.

روحانی هم بر خلاف خط و نشان کشیدنهای قبلی و یاوه گویی های خامنه ای و سپاه مبنی بر بستن تنگه هرمز و شاهراه های نفتی جهان و موشک باران پایگاههای منطقه، ترجیح داد بر پایبندی رژیم اسلامی به توافقنامه برجام تاکید کند. با هزار التماس درخواست میکرد که آمریکا به سر میز مذاکره باز گردد. امید آخرشان تلاشهای اتحادیه اروپا برای حفظ برجام و مکانیسم پیشنهادی این قطب برای ادامه معاملات تجاری با حکومت اسلامی است. هر چند که خود نیز امید چندانی به این تلاشها ندارند. در هر حال از جمله به جمله سخنرانی و مصاحبه های روحانی موقعیت ورشکسته و رو به نابودی حکومت اسلامی را بسادگی میشد مشاهده کرد.

اما تلاش ترامپ برای گفتگو با روحانی و یا خامنه ای یک سکانس مضحک و تهوع آور در حاشیه این اجلاس سازمان ملل بود. ترامپ یک دلال و بساز و بفروش برج و ساختمان است. دنیای سیاست و تخاصمات بین المللی و تلاقی کشمکشها و پیچیدگی هایش را نیز از این دریچه نگاه میکند. بر این تصور کودنانه است که با تکرار سناریوی کره شمالی شاید بتواند بمبی در سطح جهانی در کند. دیدار با خامنه ای و حتما پیش و پس از آن شاید بیان "سجایای" خامنه ای "رهبر جمهوری اسلامی ایران". شاید از هم اکنون در فکر زدن سکه ای برای این ملاقات تاریخی باشند. اما این مزخرفات بیشتر از آنکه جایی در واقعیت و کشمکشهای جهانی داشته باشد، رویا پردازی احمقانه یک نئو فاشیست است.

**انترناسیونال:** از دی ماه گذشته و قبل از اینکه آمریکا تحریم های جدید خود را در مورد حکومت اسلامی اعمال کند، اعتراضات مردم در نقاط مختلف ایران بسیار گسترده تر از همیشه آغاز شد. مبارزات مردم در تعیین سیاست های جمهوری اسلامی و دولتهای غربی چه تاثیری دارد؟

**علی جوادی:** جامعه ایران در آستانه تحولات عظیمی قرار گرفته است. تلاش برای سرنگونی رژیم اسلامی در محور این تحولات قرار دارد. این جنبش دارای تاثیر تعیین کننده ای بر موقعیت جناحهای رژیم اسلامی و همچنین سیاست آمریکا و دول غربی است. همه این غول عظیم را دیده اند. هر کدام به گونه ای در تلاش برای تعریف موقعیت خود در قبال آن هستند.

روزی نیست که استراتژیستهای رژیم اسلامی به فکر چگونگی مقابله با این شرایط نباشند. سرکوب همه جانبه و بستن شمشیر خونین اسلام یک سیاست همیشگی این رژیم است. در طرف دیگر تلاش برای به بند و بست رسیدن با دول غربی علاوه بر تکیه بر روسیه و چین، سیاست جناح تو سری خورده رژیم اسلامی است. اما راهی برای بقای رژیمی که در بن بست اقتصادی و سیاسی و اجتماعی قرار دارد، وجود ندارد. رژیمی که مردم حکم به رفتن اش دادند، باید گورش را گم کند. پرده پایانی این تحولات بدون تردید سرنگونی شیرین رژیم اسلامی است.

غرب هم سیاست خود را بر مبنای تحولات جاری تعیین میکند. همگان بخاطر داریم که چگونه "انقلاب ٥٧" سرنوشت رژیم شاه را رقم زد و چگونه دول غربی در کنفرانس گوادالوب تن به تغییر رژیم مطلوبشان دادند. دیدیم که چگونه در پس خیزش سرنگونی طلبانه در مصر ناچار شدند حسنی مبارک را به کناری بیندازند. در این شرایط آمریکا و متحدین شان به طرق مختلف میکوشند تا مهر خود را بر تحولات جامعه بزنند. از بازی با کارت سوخته مجاهدین گرفته تا تو بوق کردن بازندگانی مانند رضا پهلوی و جریاناتی مانند فرشگرد، همگی گوشه ای از تلاشهای ارتجاعی این نیروها است.

در یک کلام مساله سرنوشت رژیم اسلامی مشغله اصلی نیروهای بسیاری است. یکی برای خلاصی از شر حکومتی استبدادی و استثماری تلاش میکند. به دنبال جامعه ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی، یک جمهوری سوسیالیستی است. دیگری اما به دنبال اعاده دوران گذشته است. حکومتی تمام عیار پرو غربی و استثمارگر، همانند آنچه در پاکستان و عربستان و اردن موجود است.

**انترناسیونال:** دولتهای اروپایی اعلام کرده اند که تسهیلات جدیدی برای ادامه معاملات مالی با جمهوری اسلامی در نظر گرفته اند و راههایی برای دور زدن تحریم های آمریکا در نظر دارند. آیا این راهکارها می تواند کمکی به بحران اقتصادی جمهوری اسلامی کند و آیا در بهبود وضعی زندگی مردم تاثیری خواهد داشت؟

**علی جوادی:** هیچ کدام از طرفین تردیدی ندارند که چنین تلاشهایی راه نجاتی برای بحران لاعلاج اقتصادی رژیم اسلامی نیست. بن بست اقتصادی رژیم اسلامی به فاکتورهای پایه ای تر و استراتژیک تری بر میگردند. رژیم اسلامی در کلیت خود رژیمی است که بنا به مختصات ایدئولوژیک سیاسی و تعلق به جنبش اسلام سیاسی و قرار داشتن در منطقه ممنوعه خاورمیانه، حوزه صدور سرمایه و تکنولوژی نیست. این رژیم روبنای مناسبی برای سرمایه در دوران جهانی شدن سرمایه نیست.

تلاشهای دول اروپایی در قبال برجام پیش از هر چیز تلاشی سیاسی برای مهار رژیم اسلامی با سیاست تطمیع و سازشکاری است. نگران یکدست شدن رژیم اسلامی تحت چهارچوب سیاستهای جناح راست و تندرو آن هستند. در عین حال خود نیز میدانند که این تلاشهای نیم بند نه درمانی برای اقتصاد ورشکسته رژیم اسلامی است و نه میتواند سد محکمی در قبال سیاستهای قلدرمنشانه دولت آمریکا باشد. امیدشان به دفع وقت و شاید تغییری در تناسب قوای هیات حاکمه در انتخابات میان دوره ای آمریکا باشد.

ما اما در عین حال که برای سرنگونی همه جانبه و انقلابی رژیم اسلامی تلاش میکنیم در همان حال مخالف تحریم های اقتصادی هستیم. تحریمهای اقتصادی مستقل از تاثیر آن بر رژیم اسلامی از آنجائیکه مصائب بسیاری را بر مردم فقر زده تحمیل میکند، از نقطه نظر ما یک سیاست ضد اجتماعی و تماما ارتجاعی است. به عملکرد تحریمهای اقتصادی در عراق نگاهی بیندازید، کارنامه ای خونین و سیاه را مشاهده خواهید کرد. ما برای اهداف انسانی مبارزه میکنیم، سیاست تاکتیکی ما نیز تماما منبعث از این سیاست استراتژیک و عمومی مان است.

تحریم ها موقعیت زندگی مردم را وخیم تر میکند اما هر گونه بهبودی در زندگی مردم تنها و تنها میتواند حاصل مبارزه و فشار بر رژیم اسلامی برای کسب مطالبات پایه ای بخشهای مختلف جامعه و مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی است.

**انترناسیونال:** در جدال جمهوری اسلامی با دولت آمریکا و بند و بست با اتحادیه اروپا و روسیه مردم چه انتخابی باید داشته باشند و چه هدفی را دنبال کنند؟

**علی جوادی:** انتخابی دیگر. انتخاب پیوستن به اردوی آزادی و برابری و رهایی انسانها. انتخاب اردوی کمونیسم کارگری. سیاست دول غربی اعم از آمریکا و یا اروپا و به طریق اولی روسیه و چین ذره ای از خواست دیرینه و پایه ای مردم و تلاش روزمره شان برای رسیدن به آزادی و برابری را منعکس نمیکند. به هر درجه که مردم به دول خارجی و سیاستهایشان اتکاء کنند به همان درجه نقش و اراده خود در شکل دادن به سرنوشت خود را واگذار کرده اند. آزادی و خلاصی از رژیم اسلامی تنها میتواند حاصل تلاش خود مردم باشد. حلقه گرهی در این چهارچوب سازماندهی و رهبری است. سازماندهی به گرد سیاست نیرویی که امرش تنها رهایی توده مردم کارکن و زحمتکش است. حزب کمونیست کارگری حزبی برای آزادی و برابری و رفاه و یک جامعه انسانی است.